

نیست! - شوق دادن مردم را به سوی اصالت، سرشت و فطرت «اجتماعی زیستن» خود، به عنوان یک راهکار ممتاز تشخیص داده‌اند. تا از این طریق مردم جامعه خود را از «له شدگی» و «زیر فشار ماندن» روابط بی روح ماشینی رهایی بخشند. البته پیامد اجرای موفقیت آمیز این رویکرد آن است که مردم با مراجعه به سرشت خویش، راه صحیح نیل به رفاه و آسایش را خواهند یافت.

بحران یاد شده اندیشمندان مسئول را نیز به دنبال چاره‌جویی روانه ساخته است. اقتصاددانان به منزله گروهی از این اندیشمندان، این را یک امر بدیهی می‌انگارند که آسایش و رفاه در گرو «اقتصاد توسعه یافته» است. یعنی اگر یک جامعه از اقتصاد توسعه یافته‌تری برخوردار باشد، مردم آن نیز از رفاه و آسایش بیشتری برخوردار خواهند بود. اما این رویکرد نشانگر یک روی سکه است روی دیگر سکه آن است که گروهی دیگر یعنی انسان شناسان معتقدند، زندگی آرمانی برای انسان صرفاً از طریق رفاه اقتصادی تأمین نخواهد شد. بلکه رفاه اصیل پویا و متعالی بدون ارتباطات عمیق انسانی و زندگی متعالی اجتماعی هرگز معنای حقیقی به خود نخواهد گرفت. به عبارت دیگر، از خود بیگانگی و نیز بیگانگی با محیط و جامعه آفتابایی هستند که مفهوم عمیق «توسعه اجتماعی» را قلب ماهیت کرده‌اند. بر این باور، توسعه اقتصادی می‌بایست در راستای توسعه اجتماعی و انسانی گام بردارد.

در عین حال، جوامع بسیاری وجود دارند که «درآمد سرانه» و «توان اقتصادی» آنها (که به منزله شاخصهای توسعه یافتگی قلمداد می‌گردد) در سطح بسیار

بالایی است. اما، رفتار انسانها در این گونه جوامع در راستای «فردگرایی» جریان دارد و درک و انگیزه «باهم بودن» در شهروندان آنها بسیار ضعیف است. نتیجه امر آن است که گرچه سرمایه مادی، رفاه نسبی زندگی مادی را مهیا و تأمین می‌سازد، ولی به تنهایی قادر نیست نیازهای عالیه درونی و نیز آرمانهای اجتماعی انسان (مانند فرآیند اجتماعی زیستن، تقویت روابط انسانی، مشارکت اجتماعی، همیاری، خویشتن یابی، نوع دوستی و...) را تأمین کند. این مسأله اشاره به ضرورت وجود روابط اجتماعی پویا (که متأثر از سرشت و عاطفه انسانی است) دارد و تنها برآورده

مدد جستن و فن آوری). اما توسعه روحیه جمع‌گرایی و رفع نیازهای اجتماعی. غلبه بر خصایص و صفات منفی فردگرایی (به عنوان دستاورد زندگی صنعتی) رامی‌طلبد. بدیهی است که راهکارهای این غلبه بسیار مشکل است. زیرا نیاز به تحول عاطفی و درونی و شعله ور ساختن سرشت انسانی (در ابعاد جامعه گرایی) دارد تا هر فرد، علاقمند به برقراری روابط عالیه اجتماعی با دیگران شده و به این ترتیب صفت اجتماعی زیستن در مردم بیدار گردد.

بنابراین، مشخص گردید که گردآوردن تعدادی ماشین به دور هم و برقرار کردن ارتباط مابین آنها برای بهره جستن از آنها

جوامع بسیاری وجود دارند که «درآمد سرانه» و «توان اقتصادی» آنها (که به منزله شاخصهای توسعه یافتگی قلمداد می‌گردد) در سطح بسیار بالایی است. اما، رفتار انسانها در این گونه جوامع در راستای «فردگرایی» جریان دارد و درک و انگیزه «باهم بودن» در شهروندان آنها بسیار ضعیف است. نتیجه امر آن است که گرچه سرمایه مادی، رفاه نسبی زندگی مادی را مهیا و تأمین می‌سازد، ولی به تنهایی قادر نیست نیازهای عالیه درونی و نیز آرمانهای اجتماعی انسان (مانند فرآیند اجتماعی زیستن، تقویت روابط انسانی، مشارکت اجتماعی، همیاری، خویشتن یابی، نوع دوستی و...) را تأمین کند.

زیاد مشکل نیست. صرفاً کافی است اصول، کاربری و نحوه استفاده از آنها را دانست. اما از آنجا که انسان موجودی پیچیده و تحول‌پذیر است، کار با گروهی انسان، مشکل و برقراری ارتباط پویا و معنی دار (اجتماعی کردن)، بین آنان بسیار مشکل‌تر خواهد بود. شناخت زوایای پنهان «سرشت انسان» در جهت شکوفایی استعداد اجتماعی زیستن، بسیار مؤثر است. اما می‌بایست راهکارهایی را برگزید که عملاً و به صورتی منطقی این خصایص پنهان را آشکار سازد و در جهت مزبور،

ساختن نیازهای ابتدایی (امکانات مادی) هرگز موجب ظهور آن در انسان و جامعه نمی‌شود. به دیگر سخن، دارایی «انسان» مجموعه‌ای از داشته‌های فردی و اجتماعی است و منابع مادی، نیازهای فردی و زمینه‌های برقراری رابطه با محیط و جامعه نیز نیازهای اجتماعی وی را برآورده می‌سازد.

در جامعه امروز - گرچه کمی مشکل است - اما به هر حال می‌توان تا حدود زیادی نیازهای فردی را از طریق غلبه بر موانع ظهور آن تأمین نمود (به یآوری از

به طور کلی برای داشتن انسانها و جامعه‌ای توسعه یافته، علاوه بر توسعه اقتصادی می‌بایست تمامی آحاد جامعه را از رفتار «فردگرایانه» به سوی «رفتار جامعه گرایانه» هدایت نمود تا به «توسعه اجتماعی» نیز نائل گردید. به این ترتیب است که توسعه اقتصادی - اجتماعی در برخی ابعاد سریعاً و توأمان تحقق خواهد یافت.

امروزه راهکارهایی وجود دارند که موجب رشد و تقویت «رفتار اجتماعی» می‌شوند. برخی از آنها به عنوان معابری مؤثر برای گریز از فردگرایی و روی آوردن انسان به زندگی اجتماعی اهمیت خود را بارز ساخته‌اند. راهکارهایی مانند: تعلیم و تربیت، بعضی رخدادهای اجتماعی، نهضت‌های اجتماعی، جریانه‌های بسیجی برای امداد به مردم در حوادث طبیعی، انقلاب، تعاون و... حس جامعه گرایي و تقویت فرآیند اجتماعی شدن را در انسان توسعه می‌بخشند. در همین جا، راهکار تعاون و تعاونگرایی به مثابه یک راهکار مؤثر برای تقویت فرآیند اجتماعی شدن و توسعه زندگی اجتماعی در انسان مورد بررسی قرار می‌گیرد.

الف - «تعاون» فرد را به سوی «زندگی اجتماعی سوق می‌دهد!

اصولاً انسانها برای رفع نیازهای محسوس و آشکار خود به راههای مختلفی دست می‌یازند. در گام اول هر فرد آن بخش از نیازهای خود را که شخصاً و به گونه‌ای مستقل قادر به تأمین آنها است (دوختن لباس، آشپزی، تعمیر وسایل خانه، تأمین حوائج روزمره و...) بدون توسل به دیگران و جامعه برآورده خواهد ساخت. اما در گام بعدی برای تأمین بخش دیگری از نیازها که

شخصاً قادر به تأمین آنها نیست (و یا کیفیت تأمین توسط خود او، رضامندی وی را فراهم نمی‌سازد) از افراد و منابع موجود در جامعه استمداد می‌طلبد. حال چنانچه سیاستهای مساعد نظام حاکم بر جامعه اجازه دهد و شرایط نیز مهیا باشد، گروهی «هم اندیش» و دارای «نیاز مشترک»، دور هم جمع می‌شوند و از طریق «اشتراک مساعی» و برقراری ارتباط پویا با همدیگر نیازهای خود را مرتفع می‌سازند. در چنین وضعیتی هر فرد از این گروه، حوائج فردی خویش را با حوائج دیگران گره زده و به اتفاق مصمم می‌شوند راه حل آن را یافته و سپس اقدام مناسب را عملی سازند. در واقع در این فرآیند «نیازهای فردی» به «نیازهای اجتماعی» تبدیل می‌شود.

به این ترتیب، هر فرد برای تأمین نیازهای خود ناچار است علاوه بر تلاشهای فردی، روابط و مبادلات گوناگونی را با اشخاص و یا سازمانهای اقتصادی - اجتماعی جامعه برقرار سازد تا از طریق فعالیت دسته جمعی به رفع نیازهای خویش بپردازد. نکته اساسی این است که چنانچه مؤسسات مختلف اعم از دولتی یا خصوصی در جامعه موجود باشند، ممکن است فرد تصمیم بگیرد ابتدا به عنوان

تعاونیها همواره با یک آزمون عملی و مقایسه‌ای با بازار آزاد از سوی مردم مواجه‌اند بنابراین تنها آن تعداد از شرکتهای تعاونی موفق خواهند بود که از این آزمون سربلند بیرون می‌آیند. یعنی هزینه کمتر، منافع بیشتر، کیفیت مطلوب‌تر و شرایط سهل الوصولتری را برای اعضا، و ارباب رجوع تأمین و در اختیار آنان قرار داده‌اند.

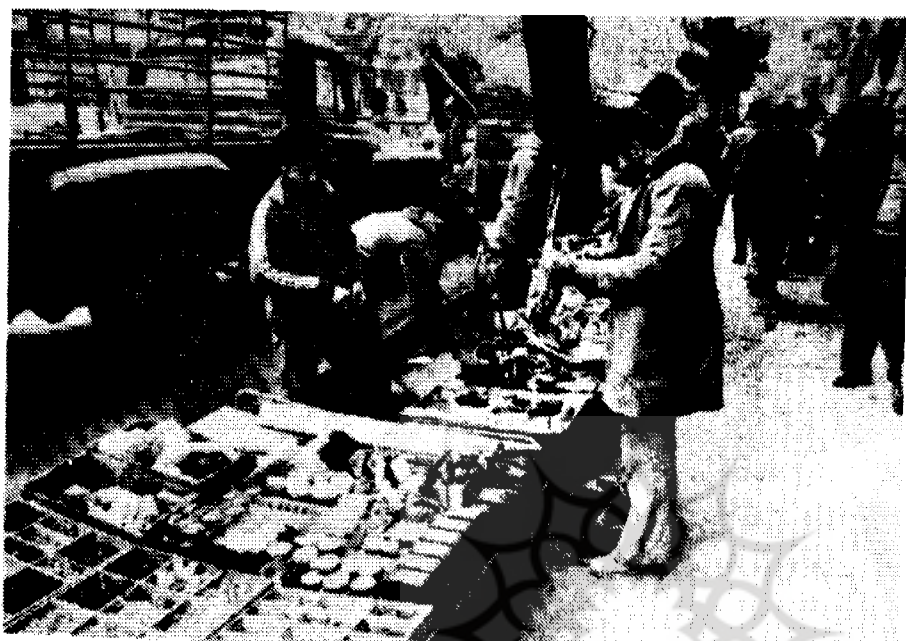
ساده‌ترین راه نیازهای خود را از طریق آنها مرتفع سازد. در چنین حالتی زندگی فردی فرد گرایي - کماکان ادامه خواهد یافت و مفهوم «فعالیت اجتماعی» ظهور نمی‌یابد. در واقع مؤسسات دولتی یا خصوصی کمک قابل توجهی به تقویت «جمع گرایي» در فرد نخواهند کرد.

اما از آن جا که آدمی همواره در پی کسب منفعت و رضایتمندی است، برای رفع نیاز تمایل دارد از مؤسسات، سازمانها و افرادی کمک بگیرد تا منافع بیشتری را با پرداخت پول کمتری کسب کند.

اگر فردی به دنبال آن است که یک کالا یا خدمت را به کمترین قیمت موجود در بازار تهیه کند، راهی را خواهد پیمود که به این خواسته دست یابد. این امر در واقع دلالت بر آن دارد که در صورت وجود بازار - اقتصاد - رقابتی وی به خواسته خود خواهد رسید. اگر نه، در صورت حاکم بودن قیمت‌های ثابت و غیررقابتی برای کالاها و خدمات - اقتصاد دولتی - وی تلاش خود را به کار نخواهد بست. به این ترتیب مستفاد می‌شود که وجود هم اقتصاد آزاد و هم غیر رقابتی سبب می‌شود که فرد برای انتخاب کالا و خدمات ارزان و با کیفیت به بررسی و جستجو بپردازد تا راهکارهای مفیدتری را برای رفع نیازهای خویش بیابد.

عملکرد شرکتهای تعاونی به مثابه مؤسساتی اقتصادی - اجتماعی نشان داده است که در بازارهای رقابتی موفق‌تر عمل خواهند کرد. (ارائه کالا و خدمات ارزانتر و با کیفیت‌تر). از همین رو است که عموم آحاد یک جامعه از تعاونیها استقبال بسیشتری به عمل می‌آورند و آن را مناسب‌ترین منبع برای تأمین نیازهای خویش می‌دانند. با این وصف، می‌توان «علاقتمندی» و «گرایش» به تعاونیها را نقطه

امروزه (هاکارهایی وجود دارند که موجب رشد و تقویت «رفتار اجتماعی» می‌شوند. برفی از آنها به عنوان معابری مؤثر برای گریز از فردگرایی و روی آوردن انسان به زندگی اجتماعی اهمیت خود را بارز ساخته‌اند. (هاکارهایی مانند: تعلیم و تربیت، بعضی رفاذهای اجتماعی، نهضت‌های اجتماعی، جریانهای بسیمی برای امداد به مردم در حوادث طبیعی، انقلاب، تعاون و... مس جامعه گرایی و تقویت فرآیند اجتماعی شدن را در انسان توسعه می‌بخشند.



آغازین جریان فعالیت اجتماعی و جمع گرایی برای هر فرد محسوب نمود.

همان طور که بیان گردید، انسان به تنهایی قادر به حل مشکلات خود نیست و یا حل مشکلات از طریق مؤسسات و بازار وی را راضی نخواهد کرد و اما، چنانچه انسانهای با نیاز مشترک، دسته جمعی و با همکاری یکدیگر نیاز و مشکلات خود را مرتفع سازند به امتیاز اشاره شده (خرید ارزان و با کیفیت) دست خواهند یافت. اما چگونه این امر اتفاق خواهد افتاد؟

هنگامی که گروهی از افراد برای تأمین نیازهای مشترک خویش و نیز کسب منافع مشترک (مورد نظر) دور هم جمع می‌شوند و شور می‌کنند، عموماً این همفکری آنان به ایجاد و راه اندازی یک سازمان تعاونی می‌انجامد. در این حالت، یقیناً دوام تعاونی و کسب موقعیت در انجام رسالت آن در گرو تأمین نیازهای گروه و نیز منافع آنان است. در غیر این صورت بازار رقابتی، تعاونی مزبور را به گرداب شکست راهنمایی خواهد کرد.

به این ترتیب به عنوان یک نتیجه گیری زود هنگام می‌توان بیان نمود که تعاونیها، رشد و گسترش فرآیند اجتماعی شدن و فعالیت اجتماعی را در فرد شکوفا می‌سازند و حاصل آن بروز ابتکار و خلاقیت جمعی و تأمین منافع گروه خواهد بود.

در موارد بسیاری دلیل کسب منفعت فرد نسبت به بازار و جلب رضایتمندی وی

جویی هزینه‌ها و یا تولید برای مصرف اعضاء به موفقیت دست می‌یابند. اما در شرکتهای تعاونی گسترده و زنجیره‌ای این وضعیت متفاوت است. این تعاونیها در واقع «بازارگرا» هستند، اعضاء پرشمار دارند و خود دست به تولید کالا و خدمات زده یا منابع تولید را در کنترل یا مالکیت خود دارند. همچنین کلیه مراحل توزیع تا مصرف را خود انجام می‌دهند.

ب - تعاونیها به منزله «پایگاه زندگی

اجتماعی»

یک فرد برای تأمین نیاز خود کدام گزینه را انتخاب خواهد کرد؟ مراجعه به بازار و یا مشارکت در ایجاد و راه‌اندازی شرکتهای تعاونی؟

بدیهی است که هر فرد گزینه‌ای را

توسط تعاونیها در این نکته نهفته است که تولیدات و خدماتی را که به مردم و اعضاء عرضه می‌دارند، یا توسط خود اعضاء تولید می‌کنند و یا از یک مؤسسه و یا نهاد تحت مالکیت و یا تحت کنترل خود تأمین کرده و به فروش آن اقدام می‌ورزند. (مثلاً شرکتهای تعاونی فرش، فرشهایی را عرضه می‌کنند که توسط اعضاء آنها تولید شده است و حتی در برخی موارد مواد اولیه آن را نیز خود ضمن تولید و یا از منابع تحت کنترل یا مالکیت خود تهیه و سپس به فرش تبدیل می‌سازند.)

قابل ذکر است که در شرکتهای تعاونی خانوادگی، فامیلی، محلی، کارمندی و خودگردان (که عموماً تعاونی مصرف هستند) در واقع احتمالاً از طریق صرفه

انتخاب خواهد کرد که برای وی منافع دراز مدت، سودآوری و تأمین با کیفیت نیازهایش را به ارمغان آورد. به دیگر سخن، این فرد هزینه‌هایی را که صرف تأمین نیاز خواهد کرد و منافعی را که از این هزینه تأمین، به دست خواهد آورد با یکدیگر مقایسه و مورد ارزیابی قرار می‌دهد. بنابراین گزینه‌ای را انتخاب خواهد کرد که با هزینه کمتر، منافع بیشتری را نصیب وی خواهد ساخت. (که همانا گزینه شرکت‌های تعاونی مورد توجه قرار خواهد گرفت.)

تجربه نشان داده است، نسبت به بازار، شرکت‌های تعاونی بیشتر مورد استقبال مردم واقع خواهند شد. به همین دلیل هر روزه شرکت‌های تعاونی در صورت حمایت دولتها بیش از گذشته گسترش خواهند یافت. اما نکته اساسی این است که تعاونیها همواره با یک آزمون عملی و مقایسه‌ای با بازار آزاد از سوی مردم مواجه‌اند بنابراین تنها آن تعداد از شرکت‌های تعاونی موفق خواهند بود که از این آزمون سر بلند بیرون می‌آیند. یعنی هزینه کمتر، منافع بیشتر، کیفیت مطلوب‌تر و شرایط سهل الوصولتری را برای اعضاء و ارباب رجوع تأمین و در اختیار آنان قرار داده‌اند.

ایجاد شرکت‌های تعاونی نیز مستلزم مشارکت مردم و تأمین بخشی از سرمایه و نهاده‌های آن از سوی افراد مشارکت جوینده است تا به هدف فوق‌الذکر دست یابند. به دیگر سخن در این رویکرد، افراد در چگونگی بهره‌برداری از منابع شخصی خویش مشارکت داشته و قادر خواهند بود که تعاونی را به سوی آرمان خود به پیش ببرند. بدیهی است هر شرکت تعاونی برای انجام عملیات تولید، توزیع و عرضه محصولات خود غیر از هزینه‌های تولید،

نیاز به هزینه‌های دیگری نیز دارد. این هزینه‌ها در واقع صرف برخی از مراحل تأمین نهاده‌ها، توزیع، بازار رسانی، تبلیغات و... می‌شود که اعضاء بر این امر نیز مشارکت داشته و در ابعاد صرفه جویی قدرت تصمیم‌سازی دارند. با توجه به این مطالب دلایل اصلی مشارکت در ایجاد شرکت‌های تعاونی از سوی افراد مشارکت جوینده (اعضاء) به قرار زیر است: شرکت‌های تعاونی:

- نیازهایی را که فرد به صورت انفرادی قادر به تأمین آنها نیست، برآورده می‌سازند. (مانند: سرمایه‌گذاری، برخورداری از تسهیلات مالی مؤسسات پولی، گستردگی تولید و عرضه محصول و...)

- هزینه‌های کمتری صرف خرید محصول و خدمات می‌کند. اما در مقابل اعضاء از منابع مالی خود به منافع و کیفیت بیشتری دست خواهند یافت.

- اعضاء به ابتکار، خلاقیت و تنوع بخشی (برای تأمین نیازهای خود) نایل می‌شوند.

- تعاونیها فرد را در فعالیت اجتماعی مشارکت داده و در نتیجه وی بر اساس سرشت خویش بیش از پیش ارضاء می‌شود.

سازمان تعاونی آغازی است برای زندگی اجتماعی، به عهده گرفتن نقشهای اجتماعی و برقراری روابط عمیق با افراد جامعه، بنابراین شرکت‌های تعاونی انسان را از فردگرایی به سوی زندگی اجتماعی سوق می‌دهند و در واقع پایگاههایی برای زندگی و فعالیت جمعی محسوب می‌شوند.

با این اوصاف، شرکت‌های تعاونی می‌توانند پایگاههایی باشند که مردم را به فعالیت دسته جمعی و اجتماعی تشویق کنند و فرد را از منظر فعالیت فردی به فعالیت اجتماعی هدایت و رهبری نمایند.

ج - شرط موفقیت تعاونیها به عنوان یک پایگاه فعالیت اجتماعی

شرط موفقیت تعاونیها به عنوان پایگاههایی برای تقویت و توسعه فعالیت اجتماعی افراد آن است که منافی را که نصیب افراد بنیانگذار خود می‌سازد، بیش از منافی باشد که منابع دیگر (مؤسسات دولتی و خصوصی) عاید آنها خواهد ساخت.

برای تحقق این امر ضرورت دارد که: - کالا و خدمات مشابه را با قیمتی ارزانتر از منابع دولتی یا خصوصی به اعضاء و ارباب رجوع خود ارائه نمایند.

- کالا و خدمات جدید و متنوعی را ارائه کنند.

- راه دسترسی اعضاء و ارباب رجوع را به سایر کالا و خدمات موجود در بازار هموار سازند.

- در دراز مدت، منافع حاصله را نصیب اعضاء سازند.

و...-

البته نباید تصور نمود که چنانچه یک شرکت تعاونی موفق، منافع اعضای خود را تضمین ساخته است (یا می‌سازد) به موفقیت نهایی نایل شده است، بلکه قطعاً و عملاً اعضاء باید در کلیه منافع و مزایای مادی و معنوی تعاونیها به طور منصفانه سهمی باشند.

د - نتیجه‌گیری:

علی‌رغم وجود سرشت «جمع‌گرایی» در انسانها، انسان امروزی «فردگرا» است. فردگرایی نیز مولود زندگی ماشینی